

## بررسی تبعات نکاح اعضای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با بیگانگان در فقه امامیه و حقوق موضوعه

سهراب انبارکی<sup>۱</sup>

سید حسام الدین حسینی<sup>۲</sup>

حسین ایزدی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

### چکیده

براساس منابع فقه امامیه، کتاب، سنت و سیره ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و اجماع، یکی از موانع نکاح، شامل نکاح مسلمان با غیرمسلمان است، ولیکن در این منابع، مشخصاً به نکاح نیروهای مسلح با بیگانگان و آثار زیان‌بار آن اشاره نشده است. مهم‌ترین سؤال این مقاله عبارت است از: «تبعات منفی نکاح اعضای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با بیگانگان در فقه امامیه و حقوق موضوعه چیست؟». روش تحقیق در این مقاله، توصیفی و تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌ها، از طریق فیش‌برداری و کتابخانه‌ای است. در ادامه به نظر می‌رسد، نکاح با بیگانگان بر مبنای قاعده نفی سبیل منجر به تسلط کفار بر امور مسلمین، ایجاد بستر مناسب نفوذ در کشور در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، سستی در امر جهاد و ایجاد اختلاف بین زوجین شده و در نتیجه نکاح این قشر با بیگانگان، بر مبنای قیاس اولویت، از منظر فقه و حقوق اسلامی به‌طریق اولی جایز نیست. یافته‌های پژوهش بر این مبناست که اقوال مختلف فقها در این زمینه بررسی گردیده و با عنایت به منابع فقهی به ادله ممنوعیت نکاح با بیگانگان و تبعات منفی این نوع نکاح پرداخته شده است. در پایان به نظر نگارنده با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، قوانین موضوعه در این خصوص نیازمند اصلاح و بازنگری است.

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.  
<sup>۲</sup> استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، (نویسنده مسئول).  
<sup>۳</sup> استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.  
<sup>۴</sup> استاد یار گروه حقوق، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، واحد اهواز، دانشگاه شهیدچمران، اهواز، ایران

**کلید واژگان:** جاسوسی، جرم، لغو دستور، متعه، نفی سبیل، نکاح.

### مقدمه

احکام اسلامی که منبعث از تعالیم و حیانی است. هر کدام دارای فلسفه خاصی بوده که مسلماً بحث ممنوعیت نکاح با بیگانگان نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. ضمناً واژه بیگانه در فقه به کافران کتابی و حربی گفته می‌شود که هر یک احکام ویژه‌ای دارند (خویی، ۱۳۶۴: ۴۲۷) و از نظر حقوقی نیز هر فرد غیر ایرانی بیگانه بشمار می‌آید، چه مسلمان باشد و چه غیرمسلمان. بنابراین، نسبت منطقی بین این دو اصطلاح عموم و خصوص من وجه است (عظیم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۷).

دین اسلام برای حفظ کیان و شرافت امت اسلامی با ممنوعیت این دسته از ازدواج‌ها، در واقع از استیلای بیگانگان بر امت مسلمین جلوگیری به عمل آورده است. از طرفی جوامع انسانی برای حفظ حکومت، استقلال و تمامیت ارضی و تأمین امنیت خود، ناگزیر از فراهم نمودن نیروهای نظامی هستند. استقلال و امنیت هر کشور و دولت، اعم از داخلی و خارجی نیز در پرتو قدرت و توان نظامی تأمین می‌گردد. از این رو، کشورهای مختلف بدین منظور تشکیل و سازمان‌دهی نیروهای مسلح خود را در راستای دفع خطرات داخلی و خارجی طراحی می‌کنند. مسلماً توجه به حفظ و صیانت نیروهای مسلح از آسیب‌ها و تهدیدات، منجر و منتج به امنیت نظام مقدس اسلامی در تمامی بخش‌های جامعه می‌شود و شکوفایی و بالندگی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، علمی و سیاسی در سایه‌سار مؤلفه مهم امنیت باعث اقتدار نظام اسلامی می‌شود. بنابراین، توجه به مقوله مهم امنیت، نقش مستقیم و غیرقابل انکاری در اقتدار نظام اسلامی دارد و عدم توجه به حفاظت از این قشر بسیار تأثیرگذار، باعث عقب‌ماندگی در تمامی بخش‌ها و حتی منجر به اختلال اساسی در نظام اسلامی می‌شود، چراکه اصولاً در سال‌های اخیر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پیشران حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... بوده‌اند. بنابراین، قانون‌گذار در تبعیت از نصوص شرعی، در جهت حفظ و صیانت از نیروهای مسلح از آسیب‌ها و تهدیدات ناشی از ازدواج با افراد بیگانه، قوانینی را به مرحله تصویب رسانیده است که به‌عنوان مثال تبصره ماده ۳۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۸۲/۱۰/۰۹) در این خصوص اشعار می‌دارد: هرگاه لغو دستور مربوط به منع ازدواج با اتباع بیگانه یا با اتباع بیگانه‌ای که به سبب ازدواج

تبعه ایران محسوب می‌شوند، باشد به حبس سه ماه تا یک سال و اخراج از خدمت محکوم می‌گردد یا در ماده ۱۰۶۰ و ۱۰۶۱ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷ شمسی، ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی مجاز و بلامانع است، مگر در مورد کارکنان دولت، به‌خصوص کارگزاران وزارت امور خارجه که به‌دلیل خطر سیاسی، چنین ازدواجی برای آنان، ازطرف قانون منع شده است. با این وجود، ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، مطلقاً منوط به اجازه مسئولان کشوری ایران است، اما با توجه به پیشرفت‌های شایان‌ذکر نظام اسلامی در حوزه علم و فناوری و نقش بی‌بدیل جمهوری اسلامی ایران در مسائل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و حمایت همه‌جانبه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از جبهه مقاومت اسلامی در مقابل مثلث شوم عبری، عربی، صهیونیستی و آمریکای جنایتکار، همواره مورد طمع دشمنان بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به شرایط حساس و برای جلوگیری از تلاش همه‌جانبه دشمن در جهت نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نظام، مخصوصاً در حوزه نیروهای مسلح، میزان و مقدار مجازات در نظر گرفته در قانون، متناسب با جرم نبوده و نقش بازدارندگی چندانی ندارد.

مقاله حاضر به بررسی تبعات نکاح نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با بیگانگان در فقه امامیه و حقوق موضوعه می‌پردازد و در تلاش است به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد.  
سؤال اصلی: «تبعات نکاح اعضای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با بیگانگان در فقه امامیه و حقوق موضوعه چیست؟».

سؤالات فرعی: ۱. «اقوال فقهای امامیه درخصوص نکاح با بیگانگان چیست؟»؛ ۲. «دله حرمت نکاح با بیگانگان ازمنظر فقه امامیه چگونه ارزیابی می‌شود؟»؛ ۳. «حکم نکاح نیروهای مسلح با بیگانگان ازمنظر قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، چگونه است؟». در پایان نیز نکاح اعضای نیروهای مسلح با بیگانگان به‌دلیل مخاطرات نفوذ در حوزه‌های فرهنگی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی، ممنوع به نظر می‌رسد.

ضمناً روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌ها، ازطریق فیش‌برداری و کتابخانه‌ای است. همچنین، درخصوص بررسی تبعات منفی نکاح اعضای نیروهای مسلح ایران با بیگانگان در فقه امامیه و حقوق موضوعه، پژوهشی که جامعیت و مانعیت کافی را

داشته باشد، انجام نشده است، لیکن در این راستا مطالعات و تحقیقاتی انجام شده است که به شرح ذیل است:

۱. مرادقلی در سال (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بازپژوهشی مستندات فقهی ممنوعیت ازدواج مسلم با غیرمسلم»، صرفاً به صورت کلی به مستندات فقهی ممنوعیت ازدواج فرد مسلمان با غیرمسلمان اهتمام داشته و توجهی به چرایی این واقعیت نداشته است (مرادقلی، ۱۳۹۷: ۴۵).

۲. کلانتری در سال (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «درنگی در ممنوعیت ازدواج فرد مسلمان با کافر غیرکتابی»، در تلاش است تا با استناد به قاعده نفی عسر و حرج، ازدواج فرد مسلمانی که در بلاد کفر زندگی می‌کند را به شرط مستضعف بودن و عدم تضاد و عناد او با اسلام، توجیه نماید (کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۲۰).

۳. طالبی در سال (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی بر نکاح با اهل کتاب و زنان شبهه‌دار در فقه و حقوق ایران» بیشتر به اقوال فقهای امامیه و مذاهب اهل سنت در خصوص ازدواج با اهل کتاب پرداخته و بررسی نکاح با کفار را از منظر حقوق ایران مورد جستار قرار داده است (طالبی، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

۴. عظیم‌زاده اردبیلی در سال (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «علل و مستندات حرمت ازدواج با کفار»، مهم‌ترین علت حرمت ازدواج با کفار را به صورت خیلی گذرا، تسلط کفار بر مسلمانان می‌داند و بیشتر به تاریخچه نکاح با کفار اهتمام داشته و بیشتر به نظریات فقهای اسلامی، مخصوصاً فقهای اهل سنت در خصوص ممنوعیت نکاح با کفار توجه داشته است (عظیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۹).

این مقاله شامل چهار بخش است که در بخش اول به مفهوم‌شناسی و تعاریف عملیاتی اختصاص یافته، در بخش دوم به اقوال فقهای امامیه در خصوص نکاح با بیگانگان اشاره شده است، در بخش سوم به ادله حرمت نکاح با بیگانگان از منظر فقه امامیه و قاعده نفی سبیل اختصاص یافته و در بخش چهارم نیز به نقد نظریات حقوقی قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح می‌پردازد.

## مفهوم‌شناسی و تعاریف عملیاتی

### ۱. نکاح و ازدواج

معنای لغوی و حقوقی نکاح:

نکاح در لغت به معنای ضمیمه کردن و جمع کردن و در اصطلاح عبارت است از رابطه حقوقی که به وسیله عقد بین مرد و زن حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند (امامی، ۱۳۸۰: ۲۶۸).

### معنای لغوی و حقوقی ازدواج:

از نظر لغت، ازدواج به معنای متحد شدن انسان و نکاح به معنای هم‌خوابگی آن دو است (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۱۵). از دیدگاه حقوقی، نکاح از عقود است که به موجب آن، زن و مرد به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی، باهم متحد می‌شوند. نکاح از عقود است که جنبه مالی و غیرمالی، هر دو را دارا است (کاتوزیان، ۱۳۵۹: ۳۵).

### ۲. موانع (محرمات) موقت

منظور زنانی هستند که سبب تحریم آنها دائمی نبوده، بلکه موقت است و زن بر مرد مادامی که این صفت یا حالت را دارد، حرام است و وقتی این صفت یا حالت تغییر کند و سبب تحریم زایل شود، زن بر مرد حلال می‌گردد (ابوزهه، ۱۴۱۰: ۸۵). ازدواج با کفار نیز جزء موانع نسبی محسوب شده و زن و مرد کافر با تشرف به دین مبین اسلام، ازدواج با آنان جایز است. مواردی که موجب حرمت ابدی است به سه دسته تقسیم می‌گردد: قرابت، مصاهرت و رضاع (صادقی، ۱۳۷۶: ۷۶).

### ۳. کافر

ابن منظور در خصوص واژه کفر می‌فرماید «كُلُّ مَنْ سَتَرَ شَيْئاً فَقَدْ كَفَرَ وَ كَفَرَهُ»؛ هر کس چیزی را پوشانید، می‌گویند کفره و کفره (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱۱۸). راغب اصفهانی می‌گوید: «الْكُفْرُ فِي اللَّغَةِ سَتَرُ الشَّيْءِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۱۴). کافر، شامل کافر حربی و کافر کتابی یا ذمی می‌شود. ضمناً، کافر حربی پیرو هیچ کتاب و آیینی نیست و با اسلام سر ستیز داشته و تحت هیچ شرایطی ازدواج با آنان جایز نیست، اما کافر ذمی پیرو ادیان آسمانی بوده و با گرفتن خراج از آنان در جهت تأمین امنیت برایشان، در ذمه مسلمان هستند.

### ۴. نفی سبیل

سبیل در لغت به معنای طریق، راه، راه آشکار و حجت است. اما معنای اصطلاحی آن به - معنای قانون و شریعت است (بجنوردی، ۱۴۲۹: ۱۹۲) (لنکرانی، ۱۴۲۵: ۲۴۲-۲۳۴). سبیل به معنای راهی است که در آن سهولت و آسانی است و گاهی از حجت به سبیل تعبیر می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۶۲). بنابراین، معنا و قاعده این است که در شریعت اسلام هیچ قانونی که موجب سلطه و نفوذ کفار بر مسلمانان شود، تشریح نشده است.

## ۵. لغو دستور

معنای لغوی دستور: از نظر لغوی، دستور مرادف با امر در اصول به معنای خواستن انجام کاری است از سوی شخص عالی از دانی که در مقابل نهی قرار دارد (فضلی، ۱۳۸۱: ۲۵). معنای اصطلاحی دستور: در ماده ۳ آیین‌نامه انضباطی، دستور یعنی؛ «ابلاغ کلیه تدابیر، ابلاغیه‌ها، خطامشی‌ها و روش‌های جاری و دستوراتی در رابطه با اداره امور یگان سازمان در انجام مأموریت‌های محوله از طرف سلسله‌مراتب فرماندهی». بنابراین، هر نظامی که اوامر فرماندهان یا رؤسای مربوط را لغو نماید، مصداق لغو دستور است. (قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲).

## ۶. جرم

معنای لغوی جرم: جرم از ریشه عربی ج، ر، م، به معنای قطع کردن، چیدن میوه از درخت، حمل کردن، ارتکاب گناه و وادار کردن به کار ناپسند به کار رفته است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۲۱۱؛ طریحی، ۱۳۶۲: ۱۱۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۰ ق: ۳۲۴).

معنای فقهی جرم: مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد (حرعاملی، ۱۴۰۲ ق: ۲۲۲).

معنای حقوقی جرم: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود (شامبیاتی، ۱۳۸۲: ۸۷؛ شمس‌ناتری، ۱۳۷۸: ۱۹۸).

## ۷. نیروهای مسلح

براساس آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح به ستاد فرماندهی کل قوه ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته، اطلاق می‌شود (آیین‌نامه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، مصوب ۹۶/۰۷/۲۰).

## ۸. تخلف

معنای لغوی تخلف: به معنای خلاف کردن، خلاف وعده عمل کردن، بازماندن، خلاف گفته یا پیمان خود عمل کردن (معین، ۱۳۶۳: ۳۲۱؛ عمید، ۱۳۷۸: ۱۶۵).

معنای اصطلاحی تخلف: عبارت است از ارتکاب اعمال و رفتار نادرست توسط شخص استخدام-شده و عدم رعایت نظم و انضباط اداری که منحصر به موارد مذکور در قانون رسیدگی به تخلفات است و به دو حالت قصور و تقصیر تقسیم می‌شود.

## ۹. بیگانه

بیگانه از نظر لغوی: بیگانه به فرد اجنبی و فرد نامحرم گفته می‌شود (معین، ۱۳۶۳: ۲۲۷).

بیگانه از نظر فقه: به کافران کتابی و حربی گفته می‌شود که هریک احکام ویژه‌ای دارند (خویی، ۱۳۶۴: ۴۲۷).

بیگانه از نظر حقوقی: هر فرد غیرایرانی بیگانه بشمار می‌آید، چه مسلمان باشد و چه غیرمسلمان.

بنابراین، نسبت منطقی بین این دو اصطلاح عموم و خصوص من وجه است (عظیم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۷).

## چارچوب نظری تحقیق

### اقوال فقهای امامیه در خصوص نکاح با بیگانگان

همان‌طوری که عنوان گردید، لفظ بیگانه از منظر فقه به معنای فرد غیرمسلمان است و عمده اقوال فقها در این خصوص، ممنوعیت نکاح آحاد مسلمین با بیگانگان است و در کلام حضرات به صورت تخصصی به مبحث نظامیان پرداخته نشده، ولیکن بر مبنای قیاس اولویت که بالاتفاق مورد پذیرش فقهای امامیه است، به طریق اولی حکم قابلیت تسری به افراد نظامی نیز می‌شود، چراکه نظامیان از حافظان اصلی حدود و ثغور بلاد اسلامی قلمداد می‌شوند که لازم است در جهت تبیین موضوع، در خصوص قیاس اولویت مطالب بیشتری ذکر شود.

## ۱. قیاس

اگر دو موضوع وجود داشته باشد که حکم یکی معلوم و حکم موضوع دیگر مجهول و به- علت شباهتی که بین آن دو موضوع وجود دارد، حکم موضوعی که حکمش معلوم است به موضوعی که حکمش مجهول است، تسری داده شود، به این عمل قیاس گفته می‌شود. ضمناً به موضوعی که حکمش معلوم است، اصل و موضوعی نیز که حکمش مجهول باشد، فرع گویند. شباهتی که بین هر دو موضوع وجود دارد را نیز علت حکم می‌گویند. اصولیون، قیاس را در تقسیمی، به قیاس اولویت و قیاس مساوات تقسیم می‌کنند.

### قیاس اولویت

قیاس اولویت قیاسی است که در آن از راه اقوی و اشد بودن وجود علت در فرع، حکم اصل به فرع سرایت داده می‌شود و حکم آن استنباط می‌گردد. بنابراین، در مواردی که علت حکم اصل در فرع، به صورتی قوی‌تر از اصل موجود باشد، حکم اصل نیز به طریق اولی بر فرع بار شده و به آن سرایت می‌کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۹: ۵۱۹). هرچند در حجیت این نوع قیاس اختلاف وجود دارد، اما بیشتر فقها آن را حجت دانسته و از قیاس باطل استثنا کرده‌اند. برخی از دانشمندان اصولی شیعه و اهل سنت همانند مرحوم علامه حلی، محقق حلی و غزالی (ره)، آن را از باب حجیت ظهور لفظ نه از باب قیاس معتبر دانسته و از آن به مفهوم موافق یا لحن خطاب و فحوای خطاب تعبیر نموده‌اند (اصفهانی، ۱۳۸۱: ۳۸۶؛ مظفر، ۱۳۷۰: ۱۸۵). قیاس اولویت در جایی محقق است که دو شرط ذیل حاصل باشد. اولاً؛ حکم در اصل و فرع از یک سنخ باشد؛ برای مثال، اگر حکم در اصل، وجوب است، در فرع نیز وجوب باشد و اگر حرمت است، در فرع نیز چنین باشد.

دوماً؛ ملاک حکم در فرع از ملاک در حکم اصل اقوی باشد (زحیلی، ۱۴۱۴ ق: ۷۰۲؛ جناتی، ۱۳۷۲: ۹۹؛ زهیرالمالکی، ۱۴۱۸ ق: ۴۲؛ ابوزهرة، ۱۴۰۸ ق: ۳۳۱؛ اصغری، ۱۳۸۵: ۳۷؛ میرزای قمی، ۱۴۱۴: ۴۷۱؛ محمدی، ۱۳۸۱: ۳۹۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۵۱۹).

به‌طور مثال، شارع مقدس می‌فرماید: «النَّبِيُّ حَرَامٌ لِأَنَّهُ مُسَكَّرٌ»؛ نیبذ (شراب خرما)



چونکه مست‌کننده است، حرام است. در اینجا شارع مقدس دستور داده که خوردن شراب خرما به- علت مست‌کننده بودن، حرام است. حال، بالفرض حکم خوردن شراب انگور را ندانیم و بخواهیم حکم آن را از طریق قیاس به‌دست آوریم. شایان‌ذکر است که میزان مست‌کنندگی شراب انگور از شراب خرما بیشتر است. در اینجا، دو موضوع داریم. موضوع اول، خوردن شراب خرما و موضوع دوم، خوردن شراب انگور است. حکم موضوع اول را می‌دانیم ولی حکم موضوع دوم را نمی‌دانیم، لذا به‌علت شباهتی که بین آنهاست (مست‌کنندگی)، حکم خوردن شراب خرما را به خوردن شراب انگور تسری می‌دهیم. از این‌رو، خوردن شراب انگور هم به این علت که بیشتر از شراب خرما موجب مست‌کنندگی می‌گردد، به‌طریق اولی حرام است که به این عمل، قیاس اولویت می‌گویند. در موضوع مطمح‌نظر، براساس نصوص شرعی، حکم نکاح مسلمان با بیگانه مشخص است (اصل)، ولیکن درخصوص حکم نکاح نیروهای مسلح با بیگانگان چیزی عنوان نشده است (فرع). مهم‌ترین علت حرمت نکاح فرد مسلمان با بیگانگان نیز جلوگیری از تسلط کفار بر امور مسلمین می‌باشد (علت) که علت حکم در فرع (نیروهای مسلح) بر اصل (فرد مسلمان) قوی‌تر است.

درخصوص نکاح با اهل کتاب نظریات مختلفی است که می‌توان مجموع آن نظریات را به چهار قول ذیل دسته‌بندی کرد:

## ۱. حرمت مطلق ازدواج مرد مسلمان با اهل کتاب

بعضی از فقهای شیعه، قائل به حرمت مطلق ازدواج با زنان یهودی و مسیحی هستند و برای اثبات ادعای خود، به کتاب، روایات (حر عاملی، بی‌تا: ۴۱۰؛ خوبی، ۱۴۰۳: ق: ۱۴۰) و اجماع (نجفی، ۱۹۸۱م: ۴۲) و اصل احتیاط، استناد جسته‌اند (خوبی، ۱۳۹۳: ۲۷۲).

از سایر طرفداران این نظریه می‌توان به سید مرتضی (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ق: ۲۷۹) و شیخ مفید اشاره کرد که در المقنعه می‌نویسد: «ازدواج با زن کافر به خاطر کفر او حرام است، چه اینکه او بت‌پرست باشد یا زرتشتی یا مسیحی (مفید، ۱۴۰۳: ق: ۵۰۰). لازم به ذکر است، نکاح با کفار حربی مطلقاً مجاز نیست و این امر مورد وفاق کلیه مذاهب اسلامی است.

## ۲. جواز مطلق ازدواج مرد مسلمان با اهل کتاب

گروه دیگری از فقها معتقدند که ازدواج با زنان اهل کتاب به طور مطلق جایز است و برای اثبات ادعای خود، به کتب و روایات استناد جسته‌اند و در میان فقهای متأخر، مرحوم فیض کاشانی معتقدند، به تصریح بعضی اخبار بر جواز از ازدواج موقت با اهل کتاب با جواز ازدواج دائم، منافاتی ندارد (فیض کاشانی: ۱۳۸۹، ۲۶۹).

تعداد دیگری از فقها همچون ابن ابی عقیل (حلی، ۱۴۱۳ ق: ۹۱) و علی بن بابویه، پدر شیخ صدوق و خود ایشان، ازدواج با اهل کتاب را به طور مطلق جایز می‌دانند:

«ازدواج با زن یهودی و مسیحی اشکالی ندارد و اگر با آنها ازدواج کردی، آنها را از خوردن شراب و گوشت خوک منع کن و بدان که به خاطر این ازدواج، منفعتی در دین تو ایجاد شده است. ازدواج با زرتشتی حرام است» (صدوق، ۱۴۱۵ ق: ۳۰۸).

## ۳. تفصیل میان همسر دائم و همسر موقت

از میان فقهای قدیم، فقهای نظیر ابوالصلاح حلبی (حلبی، ۱۴۲۳ ق: ۲۸۶) و سلار (سلار، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۸) و از متأخران، علامه حلی (حلی، ۱۴۱۰ ق: ۲۲) و محقق حلی (حلی، ۱۴۱۵ ق: ۷۹)، ازدواج موقت با اهل کتاب را جایز، ولیکن ازدواج دائم با آنها را مجاز نمی‌دانند.

در این خصوص، سلار نوشته است: از جمله شرایط نکاح این است که زن مؤمن یا در صورت عدم ایمان، از مستضعفان فکری گروه مخالف باشد. پس اگر زنی ذمی یا مجوسی یا در حباله دیگری باشد، ازدواج دائمی با او صحیح نیست، زیرا صحت عقد، هم‌کفو بودن در دین باید ملاحظه شود، اما ازدواج موقت و به برده گرفتن زنان کافر ذمی جایز است و زنان مجوسی جایز نیست (سلار، ۱۴۱۵ ق: ۱۵۰).

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) نیز پس از آنکه قول مشهور را حرمت ازدواج دائم با زنان یهودی و مسیحی و جواز ازدواج موقت با آنان می‌داند؛ به این نظر صحه گذاشته و آن را از میان اقوال مختلف، قول قوی می‌داند (امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، ۱۴۱۰ ق: ۲۸۵). این نظریه، قول مشهور در بین فقهای امامیه است.

برخی از فقها، اختیار و اضطرار را در نکاح با اهل کتاب مؤثر دانسته و در این راستا، شیخ مفید در النهایه می‌فرماید: ازدواج مرد مسلمان با هیچ‌یک از طوایف زنان کافر و مشرک جایز نیست، اما اگر مضطر به ازدواج با آنان شد، تنها حق دارد در حالت اضطرار با زنان یهودی و مسیحی ازدواج کند. البته ازدواج موقت با این دو گروه در حالت اختیار هم جایز است ولی در صورت ازدواج، آنها را از خوردن شراب و گوشت خوک و محرّمات دیگر، بازدارد (طوسی، ۱۴۰۰ ق: ۴۵۷). مرحوم ابن حمزه (ابن حمزه، ۱۴۰۸ ق: ۲۹۰) و ابن براج (ابن براج‌طرابلسی، ۱۴۰۶ ق: ۲۲۷-۱۸۷)، قائل به این نظریه هستند.

برخی از فقها نظیر شیخ طوسی به استناد روایات، قائل به جواز نکاح دائمی با اهل کتاب فقط در حالت اضطراری می‌باشند ولی عقد متعه در حالت اختیار نیز جایز است.

#### ۴. بررسی نکاح زن مسلمان با غیرمسلمان

در فقه امامیه، نکاح زن مسلمان با کفار مطلقاً حرام و تحت هیچ شرایطی جایز نیست. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در این زمینه می‌فرماید: «برای زن مسلمان جایز نیست که با کافر ازدواج نماید؛ چه دائم باشد و یا انقطاعی؛ کافر اصلی حربی باشد یا کتابی، مرتد فطری باشد یا مرتد مّلی» (بازگیر، ۱۳۸۶: ۱۰۱). مهم‌ترین مستند فقهی اقوال فقهای امامیه در این زمینه، آیات قرآن و احادیث شریف ائمه معصومین (علیهم‌السلام) است، چراکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَ لِعِبْدِ مُؤْمِنٍ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ﴾ (سوره مبارکه بقره/آیه شریفه ۲۲۱)؛ به کافران مشرک تا ایمان نیاورده‌اند، زن مؤمن ندهید و برده مؤمن بهتر از مشرک است.

بنابراین، با توجه به اقوال صریح فقها، این حکم کلی قابل استنباط است که منع نکاح زن مسلمان با مرد غیرمسلمان، مورد اتفاق کلیه فرق اسلامی اعم از شیعه و سنی است و مبنای آن علاوه بر اجماع، بعضی آیات قرآنی و نیز دلیل عقلی است. در مورد ازدواج زن مسلمان با مرد کافر هم فرق نمی‌کند که مرد کافر، اهل کتاب باشد یا غیر اهل کتاب، چون ملاک حرمت که کافر بودن و دعوت به غیر اسلام و به تعبیر قرآن، دعوت به سوی آتش و منع سلطه کافر بر مسلمان است که در هر دو وجود دارد (کاظم‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۴۱).

نظریه کلی و اساسی فقه امامیه چنین است که: ازدواج مرد مسلمان با زن غیرمسلمان (اهل

کتاب) فقط به صورت نکاح موقت جایز است و ازدواج زن مسلمان تحت هیچ شرایطی با کفار (اهل کتاب)، چه به صورت موقت و چه به صورت دائم، مجاز نیست. در ضمن، نکاح مرد مسلمان با زن غیرمسلمان (غیر اهل کتاب)، چه به صورت دائم و یا موقت نیز مجاز نیست.

## ادله حرمت نکاح با کفار از منظر فقه امامیه براساس قاعده نفی سیبیل

### ۱. مفاد قاعده نفی سیبیل

منظور از قاعده نفی سیبیل این است که خداوند در تشریح اسلامی، حکمی را که اجرای آن موجب تسلط و نفوذ کافران بر آحاد مسلمانان گردد، جعل نفرموده است. بنابراین، هر حکمی که پیاده شدن آن مستلزم راه یافتن تسلط کفار بر فرد مسلمان یا امت اسلام گردد، الهی نبوده و به اقتضای این قاعده، نباید عمل گردد. به عنوان مثال، هرگاه انجام معامله‌ای با کفار یا در اختیار گرفتن منصبی از سوی وی، مستلزم نفوذ بیگانگان بر مسلمانان گردد، انجام آن معامله و نهادن آن منصب در اختیار وی ممنوع است، هرچند اصل این کار (بدون توجه به این استلزام) شرعاً جایز باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق: ۱۹۱-۱۸۷).

### مستندات فقهی قاعده نفی سیبیل

مهم‌ترین ادله قاعده نفی سیبیل، ادله چهارگانه قرآن، سنت، اجماع و عقل است، ولیکن مستندترین آن، آیات قرآن است که به آن پرداخته می‌شود.

#### ۱. قرآن

خداوند در این زمینه در قرآن می‌فرماید: (... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) (سوره مبارکه نساء/آیه شریفه ۱۴۱)؛ و خداوند هرگز حکمی را که موجب سلطه و راهی برای نفوذ کفار بر مسلمانان گردد، جعل و تشریح نفرموده است.

#### ۲. سنت:

روایات بسیاری از ائمه معصومین (علیهم‌السلام) صادر شده است که مؤید قاعده نفی سیبیل است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «الاسلامُ يعلوُّ ولا يعلوُّ عليه والكفارُ به منزله الموتى

لَا يَحْبَبُونَ وَلَا يُؤْرَثُونَ»؛ اسلام بالا می‌رود ولی بر آن غلبه نمی‌شود، کافران همانند مردگان هستند که حجب ارث هستند و ارث هم نمی‌برند (صدوق، بی‌تا: ۳۳۴) و این در واقع حاکی از علو ایمان بر کفر است. در جای دیگر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می‌فرماید: «الْحَقُّ يَعْطُوا وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ»؛ حق بلند است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد (مازندرانی، ۱۴۲۱ ق: ۸۶).

ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «وَالْإِسْلَامُ يَزِيدُ الْمُسْلِمَ خَيْرًا وَلَا يَزِيدُ شَرًّا»؛ اسلام برای مسلمانان خیر می‌افزاید و برای او شر نمی‌افزاید (کلینی، ۱۳۶۷: ۲۴۵). روایات متعددی در این خصوص وارد شده که به اختصار به یکی از آنها اشاره می‌شود. این روایات در واقع مبین این مطلب است که شأنیت دین اسلام بر مبنای علو است و تسلط کفار بر مؤمنان را در هیچ شرایطی نمی‌پذیرد.

شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع در مورد اینکه چرا ازدواج با زنان مستضعف از صائبه‌ها و... جایز نیست و زنان حق ندارند با چنین مردانی ازدواج کنند، روایتی از زراره نقل کرده که امام صادق (علیه‌السلام) در آن فرموده است: «با زنان شکاک و مردد در دینشان ازدواج نکنید و زنان مسلمان را به شکاکان تزویج ننمایید، زیرا زن از شوهرش تربیت می‌پذیرد و شوهر او را مجبور می‌کند که به آیین وی درآید» (قمی، ۱۳۹۸: ۵۰۲). به همین دلیل، نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست.

بنابراین، با توجه به اینکه در آیات، روایات و سیره ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، اشاره‌ای به نکاح نیروهای مسلح با کفار حربی و ذمی نشده است ولی در خصوص حکم نکاح آحاد مسلمین و مسلمات با کفار به‌طور مفصل بیان شده و یکی از مهم‌ترین علت‌های ممنوعیت نیز قاعده مشهور نفی سبیل است. بنابراین، با عنایت به اینکه نیروهای مسلح نسبت به افراد عادی، نقش بی‌بدیلی در صیانت از مرزهای جغرافیایی و حتی مرزهای اعتقادی ایفا می‌کنند، به‌طریق اولی می‌بایست نسبت به نکاح با کفار اجتناب نمایند.

### ۳. اجماع:

اجماع محصل و قطعی فقیهان و مفسران شیعه و اهل سنت بر این است که در اسلام هیچ

حقی برای تسلط داشتن کافر بر مؤمن وجود ندارد، چون این کار سبب خفت و خواری مسلمانان در برابر کفار می‌گردد (انصاری، ۱۴۱۵ ق: ۲۸۶).

اگرچه برخی از نویسندگان به اجماع مدرکی نیز تمسک جسته‌اند، لیکن این اجماع مدرکی است و هیچ ارزشی به همراه ندارد (عالمپر، ۱۳۸۶: ۱۷). مضافاً اینکه اجماع از نظر فقه امامیه، در صورتی حجیت دارد که کاشف از قول معصوم (علیه‌السلام) باشد، در غیر این صورت فاقد اعتبار است. بنابراین، اجماع در این خصوص با توجه به مدرکی بودن و عدم کاشفیت از قول معصوم (علیه‌السلام)، فاقد وجاهت شرعی می‌باشد.

#### ۴. عقل:

عقل یکی از منابع معتبر فقه امامیه بشمار آمده، به طوری که براساس آموزه‌های دینی، از آن به رسول باطنی تعبیر می‌شود و شارع مقدس نیز دفع خطر محتمل را واجب دانسته و این خود فی‌نفسه به معنای اهتمام ویژه شارع به مقوله عقل است. با توجه به اینکه ازدواج نیروهای مسلح با بیگانگان ممکن است منجر به نفوذ در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... کشور شود، از نظر عقلی و منطقی چنین نکاحی به صلاح و سداد نبوده و مغایر با مبانی شرعی قلمداد شده است. در نتیجه، عقل به عنوان یک منبع مستقل برای جلوگیری از استیلای بیگانگان بر امورات مسلمین، چنین نکاحی را مطرود می‌داند و می‌توان شش مؤلفه ذیل را زیرمجموعه ادله عقلی تبیین نمود:

### ۱. احتمال نفوذ و جاسوسی از کشور

مسئله نفوذ و رخنه دشمن در کشور، سابقه‌ای بیش از ۲۰۰ سال دارد. دشمن همواره سعی کرده است تا با دسیسه‌های مختلف و همچنین به صور گوناگون، در این کشور نفوذ و رخنه کند و به اهداف خود دست یابد. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، همواره در خصوص غفلت نکردن از دشمن هشدار داده‌اند، اما ایشان در سال‌های اخیر، توجه ویژه‌ای به مسئله «نفوذ دشمن» داشته و این کلیدواژه از پرتکرارترین کلیدواژه‌های مورد استفاده ایشان بوده است.

«دشمنان بیرونی انقلاب و اسلام، در قالب‌های مختلف، اعم از استکبار و استعمار و مصادیقی

از جمله آمریکا، درصدد نفوذ و رخنه هستند. دنیای استکبار و به‌ویژه آمریکا، از عوامل اصلی نفوذ و رخنه در داخل کشور محسوب می‌گردند. برنامه نفوذ در کشور، یک برنامه جدی استکبار است، برنامه جدی آمریکایی‌ها است. دارند دنبال می‌کنند که نفوذ کنند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

«همچنین دشمن استعماری نیز درصدد نفوذ به داخل کشور بوده و هست. افراد مسن خودشان دیدند و افراد جوان خبرش را شنیدند که در ۱۵۰ سال اخیر، استعمار روی فرهنگ کشور و جوانان و آموزش و پرورش ما اعمال نفوذ کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۷/۰۷/۰۵)

«حوزه و آماج نفوذ دشمن در داخل کشور عبارت‌اند از: مردم، مسئولان، نخبگان، افراد تأثیرگذار، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان، نسل جوان، بدنه مدیران و مراکز دینی و انقلابی، آماج نفوذ هم چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر و عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذ‌اند. اینها هستند که سعی می‌شود روی آنها نفوذ انجام بگیرد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۹/۰۴)

## ابعاد نفوذ

### نفوذ فرهنگی:

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درخصوص نفوذ فرهنگی می‌فرمایند: «از نظر اهمیت، می‌توان ابعاد نفوذ را رتبه‌بندی کرد. نفوذ فرهنگی در درجه اول اهمیت قرار دارد، پس از آن، نفوذ سیاسی و سپس نفوذ اقتصادی و در آخر هم نفوذ امنیتی. امروز، نفوذ دشمن یکی از تهدیدات بزرگ است. دنبال نفوذند. نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است که البته کم‌اهمیت‌ترین آن، نفوذ اقتصادی است و ممکن است که جزو کم‌اهمیت‌ترین نفوذ امنیتی باشد. نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست، اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم‌اهمیت است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵)

«نفوذ فکری و فرهنگی دشمن به دو روش صورت می‌گیرد؛ نفوذ فردی یا موردی و نفوذ جریانی یا شبکه‌ای، البته نفوذ جریانی، خطرناک‌تر از نفوذ فردی است. نفوذ دو جور است: یکی نفوذ

موردی است و یکی نفوذ جریانی. نفوذ موردی خیلی نمونه دارد، معنایش این است که فرض کنید شما یک دم دستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره آرایش شده، با ماسک در مجموعه شما بفرستند، شما خیال کنید دوست است، درحالی که او دوست نیست تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد. گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم‌اهمیت‌ترینش جاسوسی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است؛ تصمیم شما را عوض می‌کند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۹/۰۴)

«نفوذ جریانی؛ یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت به وسیله پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی، اینجا روشن می‌شود. افراد را جذب می‌کنند، یک هدف جعلی و دروغین مطرح می‌کنند تا افراد مؤثر را؛ افرادی که می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند؛ بکشانند به آن سمت موردنظر خودشان. آن سمت موردنظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته و همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی‌ها فکر می‌کنند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۹/۰۴)

### نفوذ اقتصادی:

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درخصوص نفوذ اقتصادی می‌فرماید: «حوزه اقتصاد یکی از عرصه‌های تلاش دشمنان برای نفوذ است، در این حوزه دشمن می‌کوشد به‌گونه‌ای عمل نماید تا اقتصاد ایران به سمت وابستگی پیش برود و هیچ‌گاه به خودکفایی دست نیابد؛ آنها سعی می‌کنند تا اقتصاد ایران را به دست بگیرند تا هر وقت که اراده کردند آن را هدف قرار داده و کشور را به زانو درآورند. اگرچه دشمن در این عرصه تلاش زیادی می‌کند و هزینه‌های زیادی را به دوش گرفته است، ولیکن این حوزه نفوذ به نسبت نفوذ در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و امنیتی و... از اهمیت کمتری برخوردار است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵)

### نفوذ امنیتی:

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درخصوص نفوذ امنیتی می‌فرماید: «در این حوزه، نفوذ بیشتر جنبه سخت‌افزاری دارد و در این عرصه، نهادهای نظامی و انتظامی کشور (نیروهای مسلح) باید هوشیار باشند، دشمن سعی می‌کند از طرق مختلف، از توانایی‌های



نظامی کشور و نیز از ضعف‌های آن، کسب اطلاعات نماید تا در زمان لازم، امنیت کشور را مورد خطر قرار دهد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵)

### نفوذ سیاسی:

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درخصوص نفوذ سیاسی می‌فرمایند: «این شکل از نفوذ ابتدا در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نشد در عرصه تصمیم‌سازی اتفاق می‌افتد و هدف از آن این است که تصمیم‌های مسئولین بر مبنای خواست، میل و اراده دشمن صورت گرفته شود. این نفوذ به گونه‌ای است که مسئول مورد نفوذ، گاه بدون اطلاع، اقدام به تأمین منافع دشمن در تصمیمات خود می‌کند. این عرصه از نفوذ با نفوذ موردی متفاوت است. چراکه نفوذ موردی تنها به سیاست مرتبط نیست و در سایر حوزه‌ها عمل می‌کند، ولیکن نفوذ سیاسی به صورت گسترده در ساختار سیاسی کشور صورت می‌گیرد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵).

بنابراین با توجه به آثار زیان‌بار ابعاد نفوذ، مخصوصاً در بین نیروهای مسلح، رعایت اصل احتیاط در این زمینه، امری لازم و ضروری است. یکی از مصادیق احتیاط، جلوگیری از ازدواج نیروهای مسلح با بیگانگان است که منجر به تحقق انواع نفوذ سیاسی، امنیتی، فکری، اقتصادی و فرهنگی در کشور می‌شود.

## ۲. ایجاد اختلاف و انشقاق اجتماعی و به خطر افتادن وحدت در جامعه

### (نفوذ امنیتی و سیاسی)

«نکاح با کفار که دارای عقاید متمایزی با مسلمانان می‌باشند، می‌تواند منجر و منتج به اختلافات زیادی در سطح جامعه اسلامی شود. یکی از چالش‌های کنونی جوامع اسلامی در اجرای قاعده نفی سبیل، تفرقه امت اسلام است. دشمنان اسلام همواره در طول تاریخ به دنبال ایجاد اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان بودند و تنها راه اضمحلال این دین آسمانی را در ایجاد اختلاف میان پیروان این دین می‌دانستند. حقیقتاً تفرقه امت اسلامی از موارد نفی سبیل کفار است که باید مورد توجه مسلمانان؛ خصوصاً علمای اسلام باشد. فقدان وحدت و عمل نکردن به اصول اسلامی در جهان اسلام سبب شده است که اجانب بر آنها تسلط پیدا کنند و تا زمانی که چنین تفرقه و بیگانگی

بین مسلمانان حاکم باشد، سیطرهٔ غرب نیز تداوم خواهد یافت. اگر مسلمین وحدت کلمه داشتند، امکان نداشت اجانب بر آنها تسلط پیدا کنند. این تفرقهٔ مسلمین است که از اول به دست اشخاص جاهل تحقق پیدا کرد و اکنون هم ما گرفتار هستیم. واجب است بر همهٔ مسلمین که باهم باشند. یک‌زمان حساسی است. مابین حیات و موت مردد هستیم. ما اکنون مملکتان یا باید تا ابد زیر یوغ استعمار و استبداد باشد یا باید اکنون از این یوغ خارج شود. اگر وحدت کلمه را حفظ نکنید تا آخر باید مبتلا باشید.» (امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، ۱۳۸۶: ۸۳)

یگانگی دین و وحدت عقیده، پیوند بسیار عمیقی را بین افراد جامعه ایجاد می‌نماید و شواهد تاریخی نیز نقش ارزندهٔ دین را در همبستگی ملت‌ها، گویا است، اما به‌طور کلی پس از گسترش مدرنیته و توسعهٔ عقل‌روشنگری در قرن هیجده و نوزده میلادی، نقش دین در تشکیل اجتماعات بشری تا حدودی کم‌رنگ شده، البته ناگفته نماند که برخی از ادیان مانند آیین یهود، به‌دلیل اختصاص داشتن به یک قوم خاص و برخوردار بودن از خصوصیات نژادپرستانه، به‌دنبال وحدت یک قوم خاص بوده و برای دیگران نمی‌تواند وحدت‌آفرین باشد، ولی برخی دیگر مانند دین اسلام و مسیحیت مختص به قوم و نژاد خاصی نبوده و در پی وحدت تمام انسان‌ها براساس باور و عقیده هستند، نه براساس نژاد، زبان و بوم (قمری، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۲).

با توجه به آیات قرآن و احادیث ائمهٔ معصومین (علیهم‌السلام)، می‌توان در این میان مبانی و عناصری را به‌عنوان نقاط مشترک و عقیدتی میان جوامع اسلامی معرفی نمود. مؤلفه‌هایی نظیر توحید، نبوت، معاد، حج، احکام فقهی و عبادات، نقش بی‌بدیلی در وحدت اجتماعی دارند و مسلماً اختلاف دینی و اعتقادی در جامعه، این ظرفیت را به مرحلهٔ اضمحلال رسانده و وحدت جامعهٔ اسلامی را با مخاطرهٔ جدی مواجه و منجر به نفوذ امنیتی و سیاسی می‌شود.

ازدواج فرد مسلمان با فرد کافر، منتج به ایجاد روابط خانوادگی با آنان خواهد شد و مسلماً برقراری مراودات خانوادگی با کفار که ناشی از ارتباط خویشاوندی است، احتمال نفوذ و جاسوسی از بلاد اسلامی را افزایش می‌دهد. بنابراین، دین اسلام از جهت دفع خطر احتمالی، قائل به حرمت نکاح با کفار است.

### ۳. مالکیت کفار بر اموال مسلمین (نفوذ اقتصادی)

بر اساس آموزه‌های دینی و فقهی، زوجین بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، به مجرد نکاح از یکدیگر ارث می‌برند و بر اساس قواعد حاکم بر مقوله ارث، هیچ چیزی نمی‌تواند به طور مطلق آنان را از ارث محروم کند، چراکه مرد در صورت دارا بودن فرزند، زن از او یک‌هشتم ارث می‌برد و در صورت فقدان فرزند، یک‌چهارم از مرد ارث می‌برد. مرد نیز یک‌دوم اموال زن را به ارث می‌برد. بنابراین، ازدواج با کافران منجر و منتج به استیلاي آنان بر اموال مسلمین می‌شود و شاید به خاطر اینکه در ازدواج موقت رابطه ارث‌بری منقطع است، شارع مقدس ازدواج موقت با کفار ذمی را جایز می‌داند. بنابراین، نکاح با بیگانگان منجر به نفوذ اقتصادی و استیلاي دشمن در حوزه اقتصادی می‌شود.

### ۴. ایجاد اختلاف بین زوجین (نفوذ فکری و فرهنگی)

همان‌طور که دین عامل وحدت‌بخش در جامعه بشری است، یک عامل بسیار تأثیرگذار در جهت انسجام و استحکام مبانی زندگی زناشویی نیز تلقی می‌شود. ازدواج مرد مسلمان با زن کافر در اسلام تحریم شده و فلسفه این تحریم، ظاهر و آشکار است و آن عدم امکان برخورد و هماهنگی میان اسلام و ثنویت است. عقیده توحید خالص متضاد و متناقض با عقیده شرک محض است (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۵۷۶) و نیز باعث عدم تحقق انسجام و اطمینان و همکاری بین زوجین است، زیرا تباین عقیده موجب اضطراب، تنش و تنافر بین زوجین می‌گردد و بنابراین زندگی زناشویی بر پایه‌های دوستی، رحمت، محبت و آرامش، مستقر و استوار نمی‌گردد (کاظم‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۴۱).

تحقیقات تجربی که در این رابطه انجام شده نشانگر این مطلب است که نیایش و ارتباط با خدا به صورت مستقیم در رضایتمندی زناشویی و استحکام خانواده دخالت دارد. الکسیس کارل<sup>۱</sup> می‌گوید: نیایش، در روح و جسم تأثیر می‌گذارد و احساس عرفانی و احساس اخلاقی را هم‌زمان تقویت می‌کند. در چهره کسانی که به نیایش می‌پردازند، حس وظیفه‌شناسی، قلت حسد و شرارت و نیکی

و خیرخواهی نسبت به دیگران خوانده می‌شود. نیایش خصایص خود را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فرد نشان می‌دهد: صفای دل، متانت رفتار، انبساط خاطر، شادی بی‌دغدغه، چهره‌پر از یقین و آمادگی برای پذیرش حق، از ویژگی‌های نیایش‌گران است. پرواضح است که باوجود چنین ویژگی‌هایی در زن و شوهر، زندگی استحکام بیشتر و بهتری پیدا می‌کند (آلکسیس کارل، ۱۳۷۷: ۸۸). بنابراین نکاح با بیگانگان باعث نفوذ فرهنگی و منجر به اختلاف بین زوجین شده و ممکن است آثار زیانباری چون طلاق را به دنبال داشته باشد.

### ۵. تضعیف روحیه جهاد و شهادت (نفوذ امنیتی، سیاسی، فرهنگی)

از آنجاکه اسلام، دین عقل و فطرت است، به نیاز فطری (دفاع از خود) و عقلی بشر، توجه لازم را مبذول داشته و ضمن تأیید این نیاز فطری و حکم عقل بر ضرورت و اهمیت آن تأکید ورزیده است. بدین جهت، قرآن کریم بر ضرورت آمادگی برای دفاع همه‌جانبه تأکید ورزیده و می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...﴾ (سوره مبارکه انفال/آیه شریفه ۶۰)؛ هر نیرویی که در توان دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید! همچنین اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید. برخی از آثار و پیامدهای ناگوار ترک دفاع و جهاد در اسلام، انهدام پایگاه‌های توحید و خداپرستی، گرفتاری به خواری و ذلت، از میان رفتن هویت دینی و ملی، عزت و آبرو و شخصیت انسانی، کاستی ایمان، محرومیت از رحمت و عنایات خداوندی، رواج باطل و فساد و منکرات، محرومیت از عدل و انصاف و از همه مهم‌تر، کیفر سخت الهی در سرای باقی و افتادن در آتش دوزخ می‌باشد (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۱).

### ۶. اشکال در تربیت فرزندان (نفوذ فرهنگی)

شخصیت فرزندان از همان دوران کودکی و خردسالی، تکوین می‌یابد و ابزارها و شیوه‌های گوناگونی درجهت تربیت فرزند، از قبیل شخصیت پدر و مادر و اطرافیان، شیر مادر، لقمه و... در علوم تربیتی و به خصوص در متون دینی وجود دارد و از آنجایی که موضوع دین، رفتارهای اختیاری و ارادی افراد است. بنابراین، راهکارهای تربیتی - رفتاری و کنترل رفتار افراد نیز جزو حوزه مباحث

دینی به حساب می‌آید.

دین اسلام، تربیت فرزند را از انتخاب همسر می‌داند، زیرا عوامل مؤثر در تربیت، صرف‌نظر از فطرت، عوامل ارثی هستند یا محیطی و با انتخاب همسر، پرونده عوامل ارثی و بخش مهمی از عوامل محیطی تا حدودی بسته خواهد شد، زیرا محیط تربیت را خانواده و اجتماع تشکیل می‌دهد و در همین زمینه، خداوند می‌فرماید: ما انسان را از نطفه‌ای مختلط بیافریدیم، امتحان کردیم و استعدادها را به فعلیت تبدیل نمودیم و او را شنوا و بینا ساختیم (سوره مبارکه دهر / آیه شریفه ۵). پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این زمینه می‌فرماید: «برای نطفه‌های خود جایگاه مناسب انتخاب کنید که ویژگی‌های دایی در شکل‌گیری شخصیت فرزند، اثر می‌گذارد» (عاملی، ۱۳۹۷: ۲۹).

بنابراین، با توجه به اوصاف مذکور، اگر مرد یا زن مسلمان با فرد کافر ازدواج کند، مسلماً در خصوص تربیت فرزندان با معضلات جدی روبرو خواهد شد و باعث نفوذ فرهنگی خواهد شد.

## ازدواج با بیگانگان در قوانین موضوعه و قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

### ۱. ازدواج با بیگانگان در قوانین موضوعه

همان‌طوری که قبلاً عنوان گردید، بیگانه در فقه امامیه به معنای فرد غیرمسلمان و در قانون مدنی ایران، به معنای فرد غیرایرانی است. بنابراین در مواد ۱۰۵۹، ۱۰۶۰ و ۱۰۶۱ قانون مدنی، لفظ بیگانه به معنای فرد غیرایرانی است. در این مواد، قانون مدنی تنها به ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان و زن ایرانی با مرد غیرایرانی و ازدواج وابستگان به دولت با زنان تابع کشورهای دیگر اشاره شده ولی از ازدواج مرد ایرانی که کارمند دولت نیست، سخنی به میان نیامده و این به معنای جواز ازدواج مردان ایرانی با زنان غیرایرانی است، به جز مواردی که شرع مقدس اسلام و فقه شیعه آن را مجاز نداند. بنابراین، می‌توان گفت در این مواد قانونی، اهتمام قانون‌گذار بیشتر به بُعد سیاسی این ازدواج بوده، چراکه براساس قوانین ایران و بعضی دیگر از کشورهای جهان، زنان از نظر تابعیت محکوم به تابعیت شوهر خود بوده و تابعیت کشور خویش را از دست می‌دهند. بنابراین، اگر زن ایرانی بخواهد با مرد غیرایرانی ازدواج کند، قهراً تابع کشور متبوع شوهرش خواهد بود و تابعیت

ایران را از دست می‌دهد و از آنجاکه از نظر سیاسی، دولت موظف است در قبال افرادی که تابعیت کشور را دارا هستند، حمایت سیاسی داشته باشد، وظیفه خود می‌داند که نسبت به کسانی که می‌خواهند به تابعیت او درآیند یا خارج گردند نیز نظارت داشته باشد و احياناً در مواردی که این نوع ازدواج، مشکلات سیاسی برای دولت در پی داشته باشد، از آن منع نماید. آنچه در ازدواج با بیگانگان می‌تواند برای دولت مشکل‌آفرین باشد، ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی و ازدواج کارمندان و وابستگان به دولت با زنان خارجی است ولی ازدواج مردان ایرانی که مسئولیت دولتی و به‌خصوص سیاسی به‌عهده ندارند، معمولاً مشکلی برای دولت ایجاد نمی‌کند. پرواضح است که تخلف از چنین مقرراتی که بار سیاسی دارد و صرفاً به خاطر مصالح خاصی از جانب دولت وضع می‌گردد و از نظر شرعی بلامانع شناخته شده است و موجب بطلان ازدواج نخواهد بود و افراد تنها بایستی مجازات‌هایی را که محتملاً از طرف دولت بر این تخلف تعیین می‌شود، متحمل گردند (امامی، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

از این جهت، در ماده سوم قانون مدنی مصوب (۱۳۱۰/۰۳/۲۹)، به آثار این تخلف اشاره شده که مخالفت از مورد فوق، موجب انفصال از خدمت و عضویت در وزارت امور خارجه خواهد بود. نتیجه اینکه، ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی به‌جز در مورد کارکنان وزارت امور خارجه و موارد معین دیگر، از نظر قانون مدنی ایران بلامانع می‌نماید، هرچند زنان خارجی دارای دین اسلام نبوده و بلکه از اهل کتاب نیز باشند، ولیکن ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرمسلمان، هرچند ایرانی هم باشند، ممنوع است و ازدواج آنها با مردان مسلمان غیرایرانی نیز منوط به اجازه دولت است. هرچند که در صورت ازدواج آنان با مردان مسلمان، نمی‌توان به بطلان ازدواج آنها حکم کرد. بلی، از آنجاکه ازدواج با زنان غیرمسلمان و غیر اهل کتاب برای مردان مسلمان به اعتقاد همه فقهای مسلمان جایز نیست، مردان ایرانی نیز نمی‌توانند جز با زنان مسلمان و یا اهل کتاب از ایرانی و غیرایرانی ازدواج کنند، زیرا قوانین کشوری، به‌طور کلی تابع قوانین شرعی است و در هر مورد که تعارضی بین قوانین کشوری با قوانین شرعی مطرح باشد، قوانین کشوری کان‌لم‌یکن محسوب شده و افراد، محکوم به قوانین شرعی هستند. قدر مسلم اینکه، ازدواج زنان مسلمان ایرانی با مردان غیرمسلمان، اعم از ایرانی و غیرایرانی و ازدواج مردان مسلمان با زنان غیرمسلمان و غیرکتابی، به اعتقاد فقهای

اسلام و از همه مذاهب اسلامی باطل است.

## ۲. ازدواج با بیگانگان در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

به استقلال کشور باید به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر توجه نمود. بنابراین، حفظ و حراست از حدود و ثغور مرزها ضامن استقلال کشور و یکی از اهداف متعالی جمهوری اسلامی است و دولت موظف است همه امکانات خود را برای تقویت بنیه دفاع ملی و برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور به‌کار ببرد. اصل ۱۴۳ قانون اساسی، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی را به‌عهده ارتش قرار داده تا براساس ضوابط مقرر، انجام وظیفه نماید.

دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن به‌طور مسلم محدود به دفاع از مرزها و دشمنان خارجی نیست، بلکه دفاع از انقلاب هم در مرزها و در داخل و شامل تمام ابعاد نظامی، امنیتی و فرهنگی و... است. بر این اساس، اصل ۱۵۰ قانون اساسی، نگرهانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را به نهاد مردمی و انقلابی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محول نمود.

قانون‌گذار با توجه حساسیت وظایف نیروهای مسلح برای جلوگیری از هرگونه انحراف در نیروهای مسلح، نیازمند تدوین سازوکارهای قانونی می‌باشد. امروزه قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۵ مشتمل بر صد و هفتاد ماده و پنجاه و یک تبصره، مهم‌ترین مرجع رسیدگی به جرائم نیروهای مسلح تلقی می‌شود. قانون مذکور دارای دوازده فصل است که به ترتیب شامل مقررات عمومی، جرائم علیه امنیت خارجی و داخلی، جرائم برخلاف تکالیف نظامی، فرار، گزارش خلاف واقع، تقلب و دسیسه، فروش و حیفومیل و به رهن گذاشتن اشیای نظامی، سرقت، آتش زدن و تخریب، سوءاستفاده و جعل و تزویر، ارتشاء، اختلاس و استفاده غیرقانونی از البسه رسمی می‌شود. دادگاه‌های نظامی به جرائم نظامی کارکنان ارتش، سپاه، وزارت دفاع، نیروی انتظامی، پرسنل مشمول وظیفه ناجا و محصلان مراکز آموزشی نظامی و انتظامی رسیدگی می‌نمایند.

در کنار قانون فوق، بر مبنای اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی موظف است که کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدون بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌توان به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از

رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. از این رو، در این خصوص، منابع فقهی و فتاوی معتبر فقهای عظام کارگشاست.

به بحث ازدواج با بیگانگان در قانون مجازات جرائم، اشاره چندانی نشده است و تنها در تبصره ماده ۳۸ قانون مذکور مصوب (۱۳۸۲/۱۰/۰۹)، به صورت گذرا مورد توجه قرار گرفته است و لفظ بیگانه در قانون مذکور برخلاف متون فقهی به معنای فرد غیرایرانی است. ازدواج با بیگانگان در تبصره ماده ۳۸، جزء جرائم خلاف تکالیف نظامی‌گری و از مصادیق لغو دستور تلقی می‌شود. تبصره ماده ۳۸ در این خصوص اشعار می‌دارد:

«هرگاه لغو دستور مربوط به منع ازدواج با اتباع بیگانه یا با اتباع بیگانه‌ای که به سبب ازدواج، تبعه ایران محسوب می‌شوند، باشد، به حبس از سه ماه تا یک سال و اخراج از خدمت محکوم می‌گردد.»

به نظر می‌رسد، تبصره ماده ۳۸ قانون مذکور، دارای ایراداتی باشد که نیازمند به اصلاح و بازنگری توسط قانون‌گذار است.

اول اینکه: در تبصره مذکور، ازدواج با بیگانگان را جرم تخلف از وظایف نظامی‌گری می‌داند که اگر طبق قانون موضوعه لفظ بیگانه به معنای فرد غیرایرانی تعبیر شود، مفهوم لفظ بیگانه (کافر) در متون فقهی را دربر نمی‌گیرد که می‌بایست براساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی رجوع به منابع معتبر فقهی و فتاوی فقهای عظام را در دستور کار قرار داد. بر مبنای فقه امامیه، ازدواج مرد مسلمان اعم از ازدواج دائم و موقت با فرد کافر حربی، مطلقاً حرام و با کافر ذمی نیز فقط به صورت موقت جایز می‌باشد و ازدواج زن مسلمه تحت هیچ شرایطی با غیرمسلمان جایز نیست. حال این سؤال مطرح است که آیا می‌توان با استناد به منابع فقهی معتبر، حکم به جواز ازدواج موقت با کفار ذمی توسط نیروهای مسلح را صادر نمود؟ مسلماً وجود ادیان غیراسلامی نظیر یهودیت و مسیحیت و... که ارتباط قوی با هم‌کیشان خود در خارج از کشور دارند، می‌تواند مخاطرات گسترده امنیتی را برای کشور، از جمله جاسوسی و در نتیجه زمینه حاکمیت کفار بر ممالک اسلامی را فراهم سازند. بنابراین، ازدواج موقت نیروهای مسلح با سایر ادیان دارای تأمل و اشکال جدی است که ذکر آن در مواد قانونی، لازم و ضروری می‌باشد.



دوم اینکه: قانون‌گذار بحث نکاح نیروهای مسلح با بیگانگان را در حد یک تبصره، به صورت کوتاه و گذرا عنوان نموده که در عداد جرائم مخالفت با تکالیف نظامی‌گری و مصداق بارز لغو دستور می‌داند، درحالی‌که با توجه به اهمیت موضوع و خطرات متصوره این جرم، می‌تواند مجازات شدیدتری برای آن لحاظ شود.

سوم اینکه: قانون‌گذار، جرم ازدواج با بیگانگان را جزء جرائم خلاف تکالیف نظامی‌گری و از مصادیق لغو دستور می‌داند، درحالی‌که انجام تکالیف نظامی‌گری و تبعیت از دستور عمدتاً شامل زمان خدمت است و شامل دوران قبل و بعد از دوران خدمت نیست، چراکه برخی از نیروهای مسلح، مخصوصاً کسانی که در مشاغل حساس اشتغال دارند، حتی بعد از دوران خدمت نیز همواره با توجه به داشتن اطلاعات ذی‌قیمت، مورد توجه معاندین می‌باشند. ازاین‌رو، لازم است در این خصوص، قانون جامعیت و مانعیت لازم را داشته باشد.

چهارم اینکه: زمان جنگ، شرایط حاکم بر کشور در مقایسه با زمان صلح کاملاً متمایز است و عمدتاً قانون‌گذار این نکته را مدنظر قرار داده و برای مرتکبین جرائم در زمان جنگ، مجازات اشد را اعمال می‌کند که لازم است در ازدواج با بیگانگان نیز به این موضوع مهم و اساسی، توجه شود.

پنجم اینکه: اگر رئیس یا فرمانده مربوطه، دستور مبنی بر منع ازدواج، چه شفاهی، چه کتبی صادر نماید، صدور این دستور تأکیدی بر اجرای قانون بیش نیست و مرتکب را مشمول لغو دستور نمی‌سازد. ششم اینکه: وجه تسمیه این جرم را به لغو دستور باید حمل بر معنای عرفی آن کرد، چراکه در معنی دقیق کلمه، موضوع و عنوان این جرم، لغو دستور نیست.

هفتم اینکه: در این تبصره عمل جایز و سایخ مورد نهی قرار گرفته و توصیف کیفری گشته است و برای آن محدودیت‌هایی قائل گردید، در مورد جواز و صحت این عقد باید گفت که با توجه به اینکه مقنن به انعقاد عقد، جنبه کیفری داده ولی ضمانت اجرای مدتی آن را روشن نساخته و به‌طور واضح، نهی قانونگذار موجب عقاب و مجازات طرف است ولی دلالت بر فساد معامله نمی‌کند و در این بحث، نهی به اثر خارجی تعلق گرفته، موضوع و عنوان این جرم لغو دستور نیست (فرامرزی، ۱۳۸۹: ۲۲). بنابراین، در پایان شقوق ذیل متصور است:

۱. ازدواج مرد ایرانی غیرمسلمان (ذمی) با زن مسلمان جایز نیست (نفی سبیل).

۲. ازدواج مرد غیرایرانی غیرمسلمان (ذمی) با زن مسلمان جایز نیست. (نفی سیل).
۳. ازدواج مرد غیرایرانی (ذمی) با زن غیرمسلمان (ذمی) تابع دین خودشان می‌باشد (قاعده الزام).
۴. ازدواج مرد ایرانی مسلمان با زن مسلمان ایرانی جایز است.
۵. ازدواج مرد ایرانی مسلمان با زن مسلمان غیرایرانی جایز است (برای مقامات لشکری و کشوری مجاز نیست ولی از نظر فقهی بلااشکال است).
۶. ازدواج مرد ایرانی مسلمان با زن (ذمی) خواه ایرانی یا غیرایرانی باشد، به صورت دائم غیرمجاز ولی موقت بلااشکال است.
۷. ازدواج زن مسلمان با مرد مسلمان ایرانی جایز است.
۸. ازدواج زن مسلمان با مرد مسلمان غیرایرانی منوط به اخذ مجوز از وزارت کشور می‌باشد
۹. ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان (ذمی) خواه ایرانی یا غیرایرانی باشد، جایز نیست (نفی سیل).
۱۰. ازدواج زن و مرد مسلمان خواه ایرانی یا غیرایرانی با غیرمسلمان (حربی) و مرتد ملّی و فطری، مطلقاً مجاز نمی‌باشد.

### نتیجه‌گیری

در کلام فقهای عظام به صورت تخصصی به مبحث نکاح نظامیان با بیگانگان پرداخته نشده، ولیکن بر مبنای قیاس اولویت که بالاتفاق مورد پذیرش فقهای امامیه می‌باشد، به طریق اولی حکم قابلیت تسری به افراد نظامی را دارد، چراکه نظامیان از حافظان اصلی حدود و ثغور بلاد اسلامی قلمداد می‌شوند. پژوهش حاضر با موضوع «بررسی تبعات منفی نکاح اعضای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با بیگانگان در فقه امامیه»، در تلاش است به سؤالات ذیل پاسخ دهد.

پاسخ پرسش اول: قاطبه فقهای امامیه قائل به حرمت نکاح دائمی با کفار، اعم از کتابی و غیرکتابی بوده و درخصوص ازدواج موقت با کفار ذمی جایز، هرچند حتی ازدواج موقت با کفار ذمی برای نیروهای مسلح با توجه به حساسیت کاری جای تأمل است، ولیکن ازدواج با کفار غیرکتابی (حربی) را تحت هر شرایطی مجاز نمی‌دانند.

پاسخ پرسش دوم: مهم‌ترین مستند فقهی ادله حرمت نکاح با کفار، آیات شریف قرآن و

سنت و عقل می‌باشد و شامل ادله ذیل می‌شود: ۱. جلوگیری از نفوذ دشمن در حوزه‌های فکری و فرهنگی، اقتصادی و امنیتی؛ ۲. تسلط کفار بر اموال مسلمین از طریق رابطه ارث‌بری (نفوذ اقتصادی)؛ ۳. سست شدن روحیه جهاد و استیلا کفار بر ممالک اسلامی (نفوذ فکری و فرهنگی، سیاسی، امنیتی)؛ ۴. دشواری در تربیت فرزندان و اختلافات خانوادگی زوجین با یکدیگر و خطر انهدام بنیان‌های اعتقادی در خانواده (نفوذ فکری و فرهنگی)؛ ۵. ایجاد انشقاق اجتماعی و به خطر افتادن وحدت در جامعه اسلامی (نفوذ سیاسی و امنیتی).

پاسخ پرسش سوم: از نظر فقهی، ازدواج دائمی مرد مسلمان با غیرمسلمان، اعم از کتابی و غیرکتابی ممنوع، ولیکن ازدواج موقت با اهل ذمه جایز است. البته با توجه به حساسیت شغلی نیروهای مسلح و احتمال نفوذ در آنان، این نوع نکاح، برای آنان خالی از اشکال نیست. همچنین ازدواج زن مسلمان با غیرمسلمان، به هیچ وجه جایز نیست. از طرفی، دیگر به بحث ازدواج با بیگانگان در قانون مجازات جرائم، اشاره چندانی نشده و تنها در تبصره ماده ۳۸ قانون مذکور، این موضوع به صورت گذرا از مصادیق لغو دستور تلقی شده که می‌بایست نظرات فقهای عظام را مبنای کار قرار داده و بنا به دلایل ذکر شده، مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرد.

منابع و مأخذ:

الف) منابع فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیمی، محمد (۱۳۷۷)، *ازدواج با بیگانگان*، تهران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳. اصغری، محمد (۱۳۸۲)، *قیاس و سیر تکوین آن در حقوق اسلام*، قم: دارالعلم.
۴. امامی، حسن (۱۳۷۶)، *حقوق مدنی*، چ چهاردهم، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
۵. بازگیر، یدالله (۱۳۸۷)، *حقوق خانواده*، تهران: فردوسی.
۶. بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹)، *القواعد الفقهیه*، قم: نشر الهادی.
۷. جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۵)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: نشر دادگستر.
۸. جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۱)، *منابع اجتهاد*، تهران: انتشارات دادگستر.
۹. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۲)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۷۸)، *بررسی تطبیقی مجازات اعدام*، قم: انتشارات دارالعلم.
۱۱. صادقی، محمد (۱۳۸۹)، *احوال شخصیه اهل سنت (نکاح) در مذهب شافعی و حنفی*، چ اول. تهران: انتشارات خرسندی.
۱۲. طالبی، جواد (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی نکاح با اهل کتاب»، نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، «تابستان ۱۳۹۱، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۱۶۲ تا ۱۴۵.
۱۳. عالمپر، محمدابراهیم (۱۳۸۶)، *قاعده نفی سبیل و نقش آن در تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی*، کرمانشاه: موسسه شیفتگان کمال.
۱۴. عظیم‌زاده، فائزه (۱۳۸۹)، «مستندات حرمت ازدواج با کفار، نشریه فقه و حقوق خانواده»، تابستان ۱۳۸۹، دوره ۱۵، شماره ۵۲، صص ۲۶ تا ۴۶.

۱۵. عمید، حسن (۱۳۷۵)، *فرهنگ عمید*، چ ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶. فرامرزی، موسی (۱۳۸۹)، *بررسی تحلیلی جرم لغو دستور در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح*، تهران: نشر دادگستر.
۱۷. فضلی، عبدالهادی (۱۳۸۱)، *مبایذ اصول فقه*، تهران: انتشارات امیران.
۱۸. قرضاوی، یوسف (۱۳۸۲)، *دیدگاه‌های فقهی معاصر*، احمد نعمتی، بی‌جا: احسان.
۱۹. قمری، داریوش (۱۳۸۰)، *تحول ناسیونالیسم در ایران*، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، *حقوق مدنی خانواده*، چ چهارم، تهران: نشر دادگستر.
۲۱. کارل، آلکسیس (۱۳۷۷)، *نیایش*، علی شریعتی، تهران: الهام.
۲۲. کاظم‌زاده، علی (۱۳۸۲)، *تفاوت حقوق زن و مرد در نظام حقوقی ایران*، تهران: میزان.
۲۳. کلانتری، علی‌اکبر (بی‌تا)، «*درنگی بر ممنوعیت ازدواج فرد مسلمان با کافر غی کتابی*»، نشریه فقه و اصول، سال چهل و هشتم، شماره ۱۰۵، ۱۱۷ تا ۱۳۵.
۲۴. لنگرانی، محمد فاضل (۱۴۲۵ق)؛ *قواعد الفقهیه*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۲۵. محمدی، علی (۱۳۷۲)، *شرح اصول فقه*، قم: انتشارات دارالفکر.
۲۶. مرادقلی، پرویز (۱۳۹۷)، «*بازپژوهی مستندات فقهی ممنوعیت ازدواج مسلم با غیرمسلم*»، پژوهش‌های فقهی، بهار ۱۳۹۷، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۲۶۱ تا ۲۷۹.
۲۷. معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ معین*، چ سوم، تهران: انتشارات زرین.

## ب) منابع عربی

۱. ابن‌اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۸۳)، *النهایه فی غریب الحدیث والاثیر*، زاوی طاهر احمد، چ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۲. ابن‌براج، عبد‌العزیز (۱۴۰۸)، *المذهب*، سلسله الینا بیع الفقهیه، بیروت: الدار الاسلامیه فقه الشیعہ.
۳. ابن‌حمزه، سید محمود مرعشی (۱۴۰۸)، *الوسیلہ*، قم: منشورات مکتبه آیت الله مرعشی.
۴. ابن‌منظور، محمد بن مکوم (۱۴۱۶)، *لسان العرب*، چ دوم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

۵. ابوزهره، محمد (۱۹۹۷)، الاحوال الشخصيه، چاپ دوم، قاهره: دارالفکر العربی.
۶. ابوزهره، محمد (۱۴۰۲ ق)، اصول فقه، قاهره: انتشارات اسلامی.
۷. انصاری، شریف مرتضی، سید مرتضی (۱۳۹۱)، انتصار، علی بن حسین موسوی، نجف اشرف: المطبعه الحیدریه.
۸. انصاری، محمد علی (۱۴۱۵)، الموسوعه الفقهيہ المیسره، بی جا: مجمع الفکر الاسلامی.
۹. حر عاملی، محمدحسن (بی تا)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۰. خویی، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، منهاج الصالحین، چ دوم، تهران: مکتب لطفی.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالسامیه.
۱۲. زحیلی، وهبه (۱۴۱۴)، الوجیز فی اصول الفقه، قاهره: دار الکتب العربی.
۱۳. زحیلی، وهبه (۱۴۱۵)، اصول الفقه الاسلامی، قاهره: دار الکتب العربی.
۱۴. سلار، بن عبدالعزیز (۱۴۱۴)، المراسم العلویه، بیروت: دار الحق.
۱۵. صدوق، علی بن محمد بابویه (۱۳۸۹)، علل الشرایع، بیروت: دار المرتضی.
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۶۲)، مجمع البحرین، احمد حسینی، تهران: انتشارات میزان.
۱۷. طوسی، شیخ طوسی، محمد (۱۴۰۰)، النهایه، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۲)، لقاموس المحیط، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، فروع کافی، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. مازندرانی، محمد صالح (۱۴۲۱)، شرح اصول کافی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۱. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹)، شرایع الاسلام فی مسائل حلال و حرام، چ دوم، تهران: انتشارات انقلاب.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، انوار الاصول، قم: انتشارات دارالعلم.
۲۳. مکی عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالک الافهام، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۲۴. موسوی الخمینی، روح الله (۱۴۰۴)، تحریر الوسیله، چ دوم، قم: نشر اسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

۲۵. نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی

### آیین‌نامه‌ها و قوانین

۱. آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح.
۲. قانون اساسی.
۳. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح.

